

نه در سپاه کوفه‌اید و نه از زیر سایه‌ی منور حضرت صاحب‌الزمان «عجل‌الله‌تعالی‌فرجه» خارج‌اید

شماره پرسش: ۱۰۵۰۷

تاریخ ارسال پرسش: ۱۳۹۳/۸/۱۸ ۰۶:۰۰:۰۰

متن پرسش

بسمه تعالی. سلام علیکم استاد عزیز: چیزی مانده خوره افتاده به جانم! داشتم مقدمات سفر اربعین اباعبدالله را آماده می‌کردم، دل را بریدم از برخی تعلقات، بنا را گذاشتم بر شهادت در اربعین، هر چند عقل سعی می‌کرد مانعم شود و زندگی تازه شروع شده و شرایط آن را گوشزد کند، اما دیگر وصیت نامه را هم کم کم آماده کرده‌ام، یک وصیت نامه اربعینی، دلم خوش بود تا در این تجلی ظهور نقشی ایفا کنم و بچشم، اما امروز که با پدر و مادرم صحبت کردم، می‌بینم قلبا راضی نیستن بنده بروم به سفر، نگرانی از جانم دارند، هر چه اطمینان هم بدهم قلبا راضی نیستند، پدرم متاسفانه دیسک کمر دارد و بعضا کارهای منزلشان را هم بنده انجام می‌دهم، اگر دو هفته آنها را به حال خودشان رها کنم قطعا به مشکل بر میخورم، حال نمی‌دانم چه کنم، آیا در این لیبیک یا صاحب‌الزمان نقشی نداشته باشم؟ نکند من در سپاه کوفه‌ام؟ نکند خانه و منزل و پدر و مادر می‌خواهند من را از شرکت در این سپاه حسینی محروم کنند؟ چه وظیفه‌ای دارم؟ همه دارند می‌روند در پناه اباعبدالله، نکند من بروم جبهه دیگر؟ قولی از آنها گرفتم که اگر جبهه اسلام به نیروی رزمی نیاز داشته باشد، بنده بی‌اجازه شما خواهم رفت، خداوند نصیب شما نکند این حس را، التماس دعا. موفق باشید.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: نه‌خیر؛ نه در سپاه کوفه‌اید و نه از زیر سایه‌ی منور حضرت صاحب‌الزمان «عجل‌الله‌تعالی‌فرجه» خارج‌اید، با توجه به نیازی که پدرتان به شما دارند محکم در خدمت پدرتان باشید و امیدوار به نتایج کامل تری باشید. موفق باشید